

نامهٔ انسان‌شناسی
دورهٔ اول، شمارهٔ اول
بهار و تابستان ۱۳۸۱، صص ۳۳-۴۳

هویت‌سازی اجتماعی از راه باد زدایی گشتاری

علی بلوکباشی *

چکیده

در جامعه‌های ایرانی و اسلامی برخی از بادها را همچون روح و جن می‌پندارند و باور دارند که این بادها با وارد شدن به تن آدمیزادگان، آن‌ها را تسخیر می‌کنند و به فرمان خود درمی‌آورند. این بادها یا جن- بادها را به دو دسته، بادهای زیانکار و بادهای بی‌زیان تقسیم می‌کنند. وقتی یک دیو- پاد یا جن- باد کسی را می‌زند، یعنی به درویش می‌رود و تسخیر و هواپسایش می‌کند، برای رام کردن و تسخیر دیو- باد و یا بیرون کردن دیو یا جن از تن شخص بادزده یا جن‌زده (شخص تسخیر باد) جادو پزشکان مخصوص تسخیر ارواح از دو روش درمانی پایا و گشتاری استفاده می‌کنند. در روش درمانی پایا، شخص بیمار کاملاً بهبود می‌یابد و با وضعیت دورهٔ پیش از بادزدگی به گروه اجتماعی خود در جامعه باز می‌گردد. در روش درمانی گشتاری، دیو- باد یا جن- باد از درون شخص بادزده بیرون نمی‌رود و بر او همچون مرکبی سوار می‌شود و با استحالهٔ شخصیت مرکب خود، هویت اجتماعی تازه‌ای از او می‌سازد. از آن پس شخص آمیخته با جن- باد به کیش بادانگاری و گروه اجتماعی بادزدگان یا اهل هوا می‌پیوندد و زندگی نوینی را با اعضای گروه آغاز می‌کند.

کلید واژگان: اهل هوا، باد زار، باد-مشایخ، تسخیر باد، جادو پزشکان، جن- باد، روح- باد، روح‌پنداری، شیوهٔ درمانی پایا، شیوهٔ درمانی گشتاری، هویت‌سازی اجتماعی.

* عضو شورای عالی علمی دایره‌المعارف بزرگ اسلامی و مدیر گروه مردم‌شناسی دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

مقدمه

روح‌پنداری^۱، یا پنداشت به روح-باد یا جن-باد و عمل جن‌زدگی^۲، از زمان‌های بسیار دور و از دوره جان‌انگاری^۳ یا جان‌پنداری (تصور روح و جان برای پدیده‌های طبیعی و نباتات و جامدات و آن‌ها را مانند انسان صاحب روح انگاشتن) در جامعه‌های اولیه و ابتدایی وجود داشته و هنوز هم در میان بسیاری از اقوام کنونی سرزمین‌های آسیایی، آفریقایی، اروپایی، و مردم سرخپوست امریکا بازمانده است. مثلاً بابلی‌ها جهان را آکنده از ارواحی می‌پنداشتند که در سنگ‌ها، درخت‌ها، کوه‌ها، بیابان‌ها، رودخانه‌ها، اقیانوس‌ها، هوا، آسمان، ستارگان، خورشید و ماه می‌زیستند. آن‌ها معتقد بودند که ارواح بر زندگی مردان و زنان سلطه دارند و ارواح نیک برای انسان‌ها خوشبختی و ارواح شریر و پلید بدبختی می‌آورند. ارواح شریر در پی شرزایی هستند و ارواح بیماری‌زا در کمین مردم می‌نشینند تا با دستان ستمگر پنهان خود آن‌ها را به چنگ آورند (Mackenzie (a): 60). هندوها نیز اضطراب‌ها و تشنج‌های انسان را ناشی از ارواح می‌انگاشتند و می‌گفتند کسی که غش یا حمله می‌کند، دیوی در کالبدش رفته و موجب اختلال و تشنج اندام او شده است (idem (b): 85). مسلمانان مورو، در مجمع‌الجزایر فیلیپین، جهان را در تسخیر ارواح می‌انگاشتند و ناخوشی‌ها، به‌خصوص ناراحتی‌های روانی را از ارواح خبیث می‌دانستند و با آداب و اعمالی خاص آن‌ها را از تن بیمار بیرون می‌کردند (توکلی، ۱۳۶۱: ۲۳۰-۲۳۱).

ثنویت در تفکر ایرانی

یکی از ویژگی‌های شیوه تفکر ایرانی باور به ثنویت و تقسیم‌بندی دوگانه جهان و هرآنچه در آن هست، به دو نمود نور و ظلمت، نیک و بد یا خیر و شر است. براساس این اندیشه، ایرانیان از دیرباز به دونوع ویو vayu یا وای (باد) با شخصیتی واحد، لیکن با سیما و خصایلی متفاوت از یکدیگر، باورداشتند. بادی را ایزد سودرسان و باد دیگر را دیوی زیانکار می‌انگاشتند. دیو-باد هراس‌انگیز، بی‌رحم و آسیب‌رسان بود و با تباهی و مرگ هم‌ذات و همراه بود و کسی را از او گریز نبود. ایزد-باد آرام و نیک و بی‌زیان بود و گاهی مردم را در زندگی یاری می‌داد. با ظهور اسلام، این پنداشت‌های ابتدایی و اولیه با برخی از اعتقادات دینی-اسلامی در آمیخت و پنداشت به ثنویت باها را در اندیشه و ذهن مردم مسلمان نیز پدید آورد.

در فرهنگ اسلامی، باد را مشابه جن و همچون او موجودی هوایی می‌انگاشتند و به دو گروه اجبار و اشرار، یا مؤمن و کافر طبقه‌بندی می‌کردند. مجلسی (رسولی، بی‌تا: ۳۶۲/۴) باد را

¹spiritualism
²possession
³animism

کنایه از جن گرفته و آن را «باد-جن» می‌نامد و بیماری ریح الصَّبَّان یا باد کودکان را در اثر باد-جن می‌داند (برای اطلاع از نام صبیان، نک: بلوکباشی، ۱۳۸۰: ۲۲۰-۲۲۷). مردم جنوب و جنوب شرقی ایران، به ویژه مردم بندر و جزایر خلیج فارس نیز ارواح می‌رود و آنان را تسخیر و گرفتار و به اصطلاح «باد زده» و «هوایی» می‌کند و به صورت فرس و مَرکَب خود درمی‌آورد. کسانی را که یک یا چندبار به تسخیر بادهای جادویی و مرموز بیماری‌زا درآمده و از گزند آن‌ها رسته و آزاد شده‌اند، اصطلاحاً «اهل هوا» می‌نامند. اهل هوا در تمام طول عمر مَرکَب یا فرس بادهای رام شده در درون خود و میانجی و وسیله ارتباطی آن‌ها هستند (قس: میانجی روح در میان مردم ابتدایی تیکوپی‌ها در پلی‌نزی، Firth 1967: 297-298). مادام که اهل هوا این بادها را فرمان می‌برند و خواسته‌ها و نیازهای‌شان را برآورده می‌کنند، از گزند و آزار آن‌ها در امان‌اند.

انواع بادها و نظام تسخیر باد

این ارواح یا جن-بادها و نظام تسخیر روح یا جن‌زدگی در فرهنگ جامعه‌های مسلمان جهان با نام‌های گوناگون «بوری»^۴ دژنجریه، طرابلس و در میان اقوام هوسا^۵ زبان غرب افریقا، «آموک»^۶ در مالایا (Lewis 1975:58, Cherulli 1987:1217)، فیلیپین و افریقا (ساعدی، ۱۳۵۵: ۳۷)، «ساز» در سودان، «زار» در حبشه (اتیوپی) و زار و «زیران» (صورت جمع زار) در عمان (Lewis ibid:79; Cherulli ibid) و جن-باد در ایران شناخته شده و مشهور است. در ایران و جهان اسلام بادها را به چند نوع و دسته و از لحاظ جنسیت به نرینه و مادینه طبقه‌بندی می‌کنند و برای هر یک ویژگی‌ها و اعمالی بزمی‌شمارند. مهم‌ترین و مشهورترین این بادها، زار یا سار است. زار واژه‌ای است که از زبان آمهری^۷ به فرهنگ و زبان عربی و دیگر فرهنگ‌ها وارد شده است؛

مفاهیم و عقاید مربوط به باد زار، ظاهراً از جامعه حبشه (اتیوپی) به جامعه‌های اسلامی سراسر جهان وارد شده و به تدریج با عقاید مشابه دیگری در باره ارواح و جن-بادها در آمیخته و میان مردم جامعه‌های مصر، حجاز، سودان، عمان، ایران و جوامع دیگر پراکنده گردیده است (همان‌جاها). اهل هوا می‌گویند بیشتر بادهای از جمله بادهای زار، از سیواحل افریقای سیاه، هند و شمار کمی از بادها از عربستان و جزایر دیگر به ایران آمده‌اند (ساعدی، ۱۳۵۵: ۴۶).

^۴Būri / Bori

^۵Hausa

^۶Amok

^۷Amharic language

«کت میری»^۸ و «هونگو»^۹ همراه سیاهان افریقایی به ایران و نواحی بلوچستان آمده‌اند. ارواح بومی مانند بلو^{۱۰} از ساکنان نواحی بندر-چابهار و دشتیاری و «شرحه»^{۱۱} باد بومی عرب در شیخ‌نشین‌های خلیج فارس و بحرین و عربستان بوده‌اند و از دیرباز با مردم آن منی‌زیسته‌اند (ریاحی، ۱۳۵۶: ۲، ۱۷-۱۸، ۲۰-۲۲). مردم، بنابر شناخت و تجربه خود، در هر گروه، چند تا چندین باد با نام‌های خاص می‌شناسند. مثلاً، بلوچ‌ها با ۱۵ نوع باد زار، ۱۲ نوع باد، ۵ نوع جن، ۲۲ نوع باد مشایخ و ۲۰ نوع دیو سپید و سیاه آشنا هستند. ساحل‌نشینان خلیج فارس بیش از ۷۲ نوع باد زار می‌شناسند که ساعدی در کتاب *اهل هوا* ۱۳ نوع آن را همراه یک باد نوبان، ۱۱ نوع باد مشایخ و گروه‌هایی از جن‌های جورواجور نام برده است. برخی از بادهای مثل زار، مَئوری (بلوچ: مَئاری)، نوبان، لیوا، شیخ‌شنگر و شیخ‌آدروس در میان مردم بلوچستان و سواحل دریای جنوب شناخته شده و مشترک‌اند.

پیوند روح - بادهای با گروه‌های اجتماعی

در برخی از جامعه‌های مسلمان جهان، از جمله ایران، میان روح-بادهای گروه‌بندی‌های اجتماعی درون جامعه پیوند و همبستگی وجود دارد. مثلاً، جامعه‌های افریقایی که بر بنیاد گروه‌های دودمانی سازمان یافته‌اند، هر گروه از بادهای را متناسب به یکی از دودمان‌ها و یا وابسته به آن می‌دانند. (Crapanzano, 1986: 15). در میان مردم ساحل‌نشین جنوب ایران، باد-جن‌ها بیشتر در میان قشرها و لایه‌های پایین و فقیر جامعه عمل می‌کنند و برخی از بادهای مانند بادهای موسوم به مشایخ یا گروه‌های اجتماعی معینی پیوند معنوی و روحانی دارند.

اهل هوا بادهای مشایخ را از دسته ارواح شیوخ و پیران عابد و زاهدی می‌دانند که میان قوم و مردم خود منزلت و اعتبار قدسیانه داشته‌اند و در زمان حیات نیاز متوسلان و حاجتمندان را برآورده می‌کردند. امروزه، در آبادی‌های سواحل و جزایر خلیج فارس و بلوچستان مزارها و قدمگاه‌هایی اختصاص به این مشایخ دارند که زیارتگاه مریدان و دردمندان و بیماران گرفتار باد، یا بادیزدگان‌اند (ریاحی، ۱۳۵۶: ۲۷؛ ساعدی، ۱۳۵۵: ۸۰). هریک از بادهای مشایخ با یکی از گروه‌های اجتماعی جامعه سروکار دارد و آن‌ها را می‌گیرد و بیمار می‌کند. اعضای هر گروه آن باد را روح‌نیای معنوی مشترک خود می‌پندارند. مثلاً، باد شیخ آدروس به گروه برگزیدگان و بزرگان اجتماعی و باباها، باد شیخ فیری (شیخ فرج) به جمع مردم فقیر و معمولی و شیخ‌البحار یا شیخ‌البحر به گروه غواصان، جاشوان و ملاحان تعلق داشتند. هریک از این گروه‌ها پرچم یا پرچم‌های ویژه‌ای داشت که شکل و رنگ و نشانه‌های مخصوص آن‌ها نماد و شناسه‌ای از روح شیخ گروه بود. پیروان هر یک از مشایخ به هنگام

⁸ katmīrī
⁹ Hongo
¹⁰ Bellu
¹¹ Šarhe

رفتن به قدمگاه شیخ خود برای بادزدایی از بادزدگان، پرچم یا پرچم‌های مخصوص شیخ گروه را با خود حمل می‌کردند. مثلاً پرچم شیخ فرزی، یکا پرچم چهار گوشه سرخ رنگ بود که میان پرده پرچم را با نقش ماه و ستاره و حاشیه اطراف آن را با نوار سفید آذین کرده بودند. (برای اطلاع از بادهای مشایخ، نک: ریاحی، ۱۳۵۶: ۲۸-۴۴؛ ساعدی، ۱۳۵۵: ۸-۹).

روح-بادها یا جن-بادها طالب کالبد آدم‌های پریشان و خسته جان هستند و بیشتر در فضاهای آکنده از وحشت و اضطراب و در عرصه‌های فقر و بیکاری عمل می‌کنند. جن-بادها غالباً از سواحل افریقای و جنگل‌ها می‌آیند و بیشتر به سراغ سیاهان و مردان و زنان فقیر و بی‌چیز می‌روند (ساعدی، ۱۳۵۵: ۳۰، ۴۷) و در میان لایه‌های فرودست جامعه که از شأن و منزلت اجتماعی نازلی برخوردارند، زندگی می‌کنند. از این رو، مناطق فقیرنشین شهرها و آبادی‌های ساحلی و جزایر دریای جنوب ایران بیش از مکان‌های دیگر در معرض حمله این بادهای مرموز هستند.

در بیشتر سرزمین‌های اسلامی نیز، روح-بادها (انواع بادهای زاز و بوری) در میان قشرهای طبقات پایین اجتماعی عمل می‌کنند. مثلاً در سودان پدیده جن‌زدگی و تسخیر جن اکثراً در میان گروه‌های حاشیه‌نشین شهرها، مانند مسلمانان غیرسودانی و بازماندگان بردگان رواج دارد. سابقاً، گروهی از زنان طبقه بالای جامعه امهراً^{۱۲}، یکی از ایالات حبشه، به کیش جن‌زدگی وابسته بودند، لیکن از نخستین دهه‌های قرن بیستم زنان از این کیش بیرون رفتند و گروه بزرگی از مردان طبقات محروم جامعه غیرمسیحی جایگزین آن‌ها شدند. (Lewis 1975: 101).

علائم حلول و تسخیر

حلول جن-باد در شخص و پیوستنش با او، رابطه‌ای را میان آن دو پدید می‌آورد که به رابطه ظرف و مظروف می‌ماند. در هر فرهنگی، در تبیین این پیوستگی، و چگونگی رابطه روح با میزبانش عبارات استعاری، مانند «سوار میزبان شدن»، «در میزبان حلول کردن»، «مهمان او شدن» و «با او ازدواج کردن» به کار می‌برند که بعضاً بر رابطه‌ای پویا و ناپایدار و نامعین دلالت می‌کنند. (Crapanzano 1986: 14).

علائم حلول باد در شخص بنا بر نوع بادی که بیمار را تسخیر کرده است، فرق می‌کند و معمولاً با رفتارهایی نابه‌هنجار و رعشه و لرزه همراه است. از دیدگاه روانشناسی، برخی از علائم بادزدگی نشانه‌ای از جنون یا طبیعت هیستری‌یابی^{۱۳} (جنون‌آمیز) پنداشته شده است. لیکن بنا بر نظر کراپانزانو، که بر مجموعه‌ای تحقیقات دقیق استوار است، این علائم احتمالاً از

¹² Amhara

¹³ hysterical nature

اختلال‌ها و واکنش‌های روانی. فرد بادزده در برابر فشارها و تنش‌های ناشی از وضعیت اجتماعی او در جامعه ناشی می‌شود. (Ibid: 16).

احضار و تسخیر روح

احضار و تسخیر روح یا باد^{۱۴} و بیرون کردن آن از تن و یا نرم و رام کردن آن در تن مستخر و روح، کار گروهی عزایم‌خوان یا جادو پزشکی مرد و زن از گروه بادزدگان خبیره، یا به اصطلاح اهلی هوا، «بابا» و «ماما» هایی است که بارها خود گرفتار بادهای گوناگون شده و از چنگشان رهایی یافته و آن‌ها را تسخیر و رام و فرمانبر خود کرده‌اند.

جادو- پزشکیان یا بابا و ماماها مانند شمن‌ها در کیش شمنی^{۱۵} کازشان میان‌جیگری روح^{۱۶} و برقرار کردن ارتباط میان ارواح و انسان‌ها، کنترل و تسخیر ازواج است (Firth 1969: 296). جادو پزشکیان در مراسم ویژه‌ای با جمعی از مردان و زنان بادزده با کوبیدن طبل و دهل و نواختن ساز و خواندن اشعار و اورادی خاص و تکرار برخی کلمات مخصوص و بازی و رقص تنی چند از بادزدگان، روح را احضار و تسخیر می‌کنند و به فرمان درمی‌آورند.

باباها و ماماها همه سیاه افریقایی و یا دو رگه هستند، و بیشترشان از سواحل افریقا به ایران مهاجرت کرده‌اند (ساعدی، ۱۳۵۵: ۶۰). کار احضار و تسخیر روح، یا جن‌زدایی در سرزمین‌های مصر، سودان و حجاز اکثراً با زنان بوده که آن‌ها را «شیخه»^{۱۷} و «عازف الشکّه»^{۱۸} می‌نامیدند. (Cherulli ibid). الین مرتن^{۱۹} از نقل روایتی از یک درمانگر زن حبشی او را با لقب «ماما» خطاب می‌کند (Crapanzano 1986: 16). ظاهراً اصطلاح «ماما» برای جادو- پزشکیان زن نیز در حبشه کاربرد داشته است.

هویت‌سازی اجتماعی

در همه فرهنگ‌ها عقاید مربوط به طبیعت و اسباب بروز باذدگی (حالت بیمارگونه ناشی از تسخیر باد) و راه‌های چاره‌جویی و درمان باذدگی یک نظام اجتماعی و فرهنگی مجرد پیوسته و وابسته به یکدیگر را پدید آورده است. بدین‌جهت است، جایی که چنین پنداشت‌هایی درباره شناخت علت روان- رنجوری وجود دارد، شیوه درمان بیماری نیز بر پایه همان پنداشت‌ها سامان و سازمان می‌یابد. از این رو، هدف در این گونه فرهنگ‌ها دفع اسباب و علل بیماری‌ها،

¹⁴ exorcism

¹⁵ shamanism

¹⁶ spirit mediumship

¹⁷ Sheikha

¹⁸ Ārifā al - sikka

¹⁹ Alice Morton

یا برطرف کردن شرایطی است که بیمار تصور زنج و آزار از سوی آنها را دارد. (نک: 203 : Kief 1974).

شیوه جن - بادزدایی در میان جامعه‌های معتقد به این نوع جن - بادها عموماً به دو روش پایا²⁰ و گشتاری²¹ انجام می‌گیرد. در درمان به روش پایا، شخص متسخّر جن - باد، بیماری‌اش بهبود می‌یابد و به حالت عادی و مطلوب پیشین و گروه اجتماعی خود در جامعه بازمی‌گردد. در صورتی که در درمان به شیوه گشتاری، دیگرگونی ژرفی در شخصیت و حالات بیمار رخ می‌دهد و هویت او به کلی تغییر می‌کند. بیمار در هویت جدید با روح یا بناد تسخیرکننده‌اش پیوند می‌خورد و به گروهی می‌پیوندد که هویت اجتماعی ویژه و کیشی خاص در جامعه دارند. شخص استحاله یافته در گروه اجتماعی تازه‌ای که همه اعضای آن از درمان‌یافتگان از طریق بادزدایی گشتاری هستند، برای حضور در مجالس تسخیر باد و یا احضار و تسخیر باد مشروعیت می‌یابد و به عنوان عضوی از اعضای گروه بادزدايان که همچون انجمن برادری یا اخوت عمل می‌کنند، احساس قدرت می‌کند. (Crapanzano 1986 : 16-17).

در انجمن اخوت بوری یا زار در آفریقای شمالی و غربی، برخی از اعضا و سرسپردگان کیش، همچون جادو پزشکان یا بابا ماماها درمان‌گر اهل هوای ایران، از قدرت عمل ویژه‌ای برخوردار می‌شوند و در درمان برخی بیماری‌ها، مانند سترونی زنان نقش مهمی در جامعه ایفا می‌کنند. از این روست که مثلاً زنی که پیوسته بچه‌هایش را از دست می‌دهد، یا زنی که نازاست و بچه‌ای نمی‌آورد از استادان تسخیرکننده ارواح بوری و زار درخواست کمک می‌کند. درمان‌گر در عملیاتی مخصوص نشانی روی پای زن می‌گذارد و او را تبرک می‌کند. اگر زن بچه بیاورد، این بچه به گروه وابسته به کیش تعلق دارد و پیوسته به مراسم قربانی و آئین‌های دوره‌ای کیش سخاوتمندانه کمک می‌کند.

همچنین در آئین‌های تسخیر روح، بردگان پیشین به هنگام رقص‌های آیینی شلاق‌های نمادینی یا خود دارند (قس: خیزران‌های بابا و ماماها اهل هوا در ایران) که آنها را قادر می‌سازد که خود را نه همچون برده، بلکه به صورت ارباب بردگان احساس بکنند و بشناسانند. (Lewis 1975 : 4-102).

اهل هوای ایران، همه از گروه جن - بادزدگان گشتاری یا استحاله یافته هستند که پس از اجرای مراسم جن‌زدایی روی آنها، هویتشان تغییر کرده و به جرگه اهل هوا و گروه جادو - پزشکان یا جن - بادزدايان پیوسته‌اند.

شخص استحاله یافته با هویت جدیدش تا زمانی که از روح یا بادی که در درونش خفته کرده، فرمان ببرد و خواسته‌هایش را برآورده کند، از آزار و گزند زوج یا بناد درمان می‌ماند و از او محبت می‌بیند. زمانی که از فرمان روح سرباز زند، بحران جن‌زدگی دوباره بناز

²⁰ permanent exorcism

²¹ transformational exorcism

می‌گردد و او را دچار لرزش و لقوه می‌کند. در این هنگام، برپایی مراسم دیگری برای احضار روح و جن‌زدایی از او لازم می‌آید. (18 : Crapanzano 1986).

در ایران، اگر بیمار چن‌زده به هنگام مراسم جن‌زدایی توان برآوردن نیازها و خواسته‌های باد را نداشته باشد، بابا یا ماما یک پارچه یا یک تاز نخ و یا یک «کری» (خلخال) آهنی ارزان قیمت به گرز بر بازوی بیمار می‌بندد و تا زمانی که بیمار نیاز باد را برآورده نکرده است، کری را از بازویش باز نمی‌کند (ساعدی، ۱۳۵۵: ۵۶-۵۷) و به این‌گونه رشته پیوندی پوشیده و پنهانی میان بادزده و باد-جن نیز برقرار خواهد بود:

شایسته‌ها و ناشایسته‌ها

رعایت برخی مطهرات و محرمات برای هریک از اعضای کیش بادانگاری یا جرگه اهل هوا بایسته است. پوشیدن لباس سفید و پاکیزه، شستشوی مرتب خود و عطراگین کردن بدن از جمله شایسته‌ها، دست زدن به مرده انسان و حیوان، دست زدن به نجاسات و آلوده کردن خود، پوشیدن لباس کثیف و آلوده، آشامیدن باده، نزدیکی با نامحرم، دست زدن به کارهای ناروا و تحلاب، آزار رساندن و بی‌حرمتی کردن به هم کیش و صحبت کردن در برخی از مجالس مانند مجلس زار، از شمار ناشایسته‌ها به شمار می‌روند (همان: ۴۹-۵۴).

کاربست مجموعه شایسته‌ها و ناشایسته‌ها توسط اعضای گروه بادزدگان یا اهل هوا رشته پیوند اجتماعی آن‌ها را استوار و بیش از پیش به یکدیگر نزدیک می‌کند و انجام این اعمال نماد و نشانی از اهمیت اعضای گروه است. به کار بستن این مطهرات و محرمات نه تنها پیوند اعضای گروه را از هم می‌گسلد و بی‌اعتمادی و بی‌اعتقادی میان آن‌ها پدید می‌آورد، بلکه بنابر مقررات داخلی میان اهل هوا، متمدان از اعمال شایسته و ناشایسته خشم روح-بادها را برمی‌انگیزانند و آن‌ها را به آزار رساندن و رنجاندن مرکب‌های خود و افشادارند، و به گفته ساعدی موجب می‌شوند که «رویشان حد بیفتد». میزان حد و نوع حد، یعنی «حد گرم» (ضربه‌های محکم) و «حد سرد» (ضربه‌های آرام) و شمار ضربه‌ها را، بابا یا ماماهاى اهل هوا تعیین می‌کنند. حد را در مجلسی با شرکت جمعی از اهل هوا با ضربه زدن یا خیزران برخلافکار جاری می‌کنند (برای آگاهی بیشتر از «اهل هوا»، نک: بلوکباشی (ب): ۱۳۸۰: ۴۷۸-۴۸۱؛ نیز نگ: ساعدی، ۱۳۵۵).

نتیجه‌گیری

معتقدان به روح-باد همه نیروهای خیالی و وهمی نامریی در فضای زیست، از پری‌ها و دیوها گرفته تا ارواح نیک و بد را باد یا هوا می‌انگارند و معتقدند که فضای درون و بیرون زمین آکنده از این بادهاست. این روح-بادها یا جن-بادها بیشتر در جامعه‌ها و در میان دیستهبای از

گروه‌های اجتماعی که پایین‌ترین لایه اجتماعی جامعه را تشکیل می‌دهند، و فشار فقر و گرسنگی و محرومیت ذهن و روان آن‌ها را تخریب و پزیشان کرده، عمل می‌کنند.

عمل روح - بادها را بر انسان ملامت‌های مختلف طبقه‌بندی کرده‌اند. برخی ارزش اخلاقی روح - بادها را ملامت طبقه‌بندی قرار داده‌اند و گفته‌اند که هدف از احضار روح - باد در جامعه‌هایی که روح را بد و شریر می‌انگارند بیرون زاندن و دفع روح تسخیر کننده به طور دائم از تن بیمار است و در جامعه‌هایی که روح را معنای و اخلاقاً بی‌اثر و خشنی می‌انگارند تبدیل روح - باد پلئد و خشن به روح - باد ملایم و مهربان در ذوق انسان است.

بیماران گرفتار روح - باد را تعویذ و طلسم و پزشکی و دازون نمی‌توانند درمان کنند. راه درمان این بیماران به دست جادو، پزشکان یا درمانگران کیش باد انگاری یا به اصطلاح باباها و ماماهاست.

در میان اهل هوا در جنوب ایران، هربادی جادو پزشکی خاص خود را دارد که به نام آن باد خورنده می‌شود. مثل بابازار، مامازار، بابانویان، مامانویان. برخی از این جادو - درمان‌گران با چند باد مختلف شروکار دارند و می‌توانند آن‌ها را تسخیر و رام کنند.

در میان اهل هوا در ایران هربابا یا مامابی چند دستیار از جمع بادزدگان و نیکه یا چند خیزران (چوب‌دستی ساخته شده از گیاه خیزران) دارند. خیزران‌ها را معمولاً از مسقط به ایران می‌آورند و آن‌ها را حنا می‌بندند و نقره‌شان می‌کنند. چند طبل بزرگ و کوچک یا دهل و گاهی چند ساز زهی و بادی محلی نیز از جمله اسباب کار آن‌هاست. خیزران و نوع آرایه بندی و شمار زیاد آن نماد قدرت و شوکت جادو پزشکی به شمار می‌رود و مرتبه اجتماعی او را نشان می‌دهد.

در میان باباها و ماماها نوعی سلسله مراتب برقرار است که منزلت و مرتبه هر یک بر اساس آن در جمع اهل هوا آشکار می‌گردد. مرتبه هربابا یا ماما به شمار خون‌های قربانی‌هایی که در مجالس جن‌زدایی خورده است و شمار خیزران‌هایی که در اختیار دارد، بستگی دارد. میزان بالای خون‌ها و خیزران‌ها درجه قدرت جادویی و تجربه و توفیق بابا یا ماما را در تسخیر و رام کردن پادها، به خصوص پادهای شریر و خبیث و خطرناک، نشان می‌دهد.

درمان‌گران برای احضار و تسخیر باد یا روح حلول کرده در بیمار و فرونشاندن رفتارهای هیجان‌آمیز و نابه‌هنجار و اضطراب‌شدن بیمار مراسم آئینی - نمایشی پریا می‌کنند. این مراسم معمولاً در شب و با شرکت مردان و زنان طریقت و کیش با دانگاری برگزار می‌شود. مراسم با انداختن سفره، عرضه خوراک، قربانی حیوان، مالیدن روغن بر بدن بیمار، کوبش طبل یا دهل، نواختن برخی سازهای بادی و زهی و حرکات و رقص‌های آئینی مخصوص همراهاند.